

مدیریت نظامی

شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۸

ص ص ۱۴۵-۱۶۶

ملاحظات اساسی در جنگ ناهمپراز

Karami-Reza

رضا کرمی^۱

هرگونه ناکامی، اقتدار امریکا را درهم می‌شکند، بنابراین آمریکایی‌ها هر جایی احتمال دهند از بحران موفق خارج نمی‌شوند دست به ماجراجویی نخواهند زد.
مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

چکیده

به طور کلی جنگ ناهمپراز مفهومی است که چگونگی شکست طرف قوی را از سوی طرف ضعیف توضیح می‌دهد. در یک جنگ ناهمپراز، طرفی که از نظر قدرت نظامی ضعیف‌تر است، با مهارت خاص و به صورت غافلگیرانه طوری منابع محدود خود را به کار می‌گیرد که کاستی‌ها و نقاط ضعفش را در برابر طرف قوی‌تر جبران کند، در عوض نقاط ضعف دشمن را مورد توجه قرار داده و به آنها حمله کند؛ در این رهگذر از شکست جلوگیری کرده و یا احیاناً امکان پیروزی خود را نیز فراهم می‌کند. نگارنده در این مکتوب سعی دارد که با بیان تعاریف، شکل‌ها، ویژگی‌ها و ... جنگ ناهمپراز به بخشی از ملاحظات و راهکارهای آن در کشورمان بپردازد.

واژگان کلیدی

نبرد ناهمپراز، راهبرد، اطلاعات، ارتباطات.

Major Considerations in Asymmetric Warfare

Karami-Reza¹

Any failure of America destroys its authority. Therefore, wherever Americans assume they are in crisis, they try not to be adventurous

Supreme leader
Ayatollah Khamanei

Abstract

Asymmetric war generally is a concept accounting for defeat of a powerful enemy by a weak power. In such a war, militarily weak power employs its limited resources so skillfully and tactically that it can compensate for its shortcomings against the more powerful opponent and, identifying its weaknesses launches attack. Thereby, it prevents its own defeat and even facilitates grounds for its victory. This paper is an attempt first to elaborate on the definitions, varieties and specifications of asymmetric war and second to address certain considerations and approaches of asymmetric war in Iran

Key words: Asymmetric war – strategy – intelligence – communications.

¹ -PhD in Natural security

مقدمه

اگرچه واژه ناهمطراز (عدم تقارن) به تازگی وارد ادبیات راهبردی نظام دفاعی کشور آمریکا شده است، ولی این یک نظریه جدیدی نیست. این ادعا از گفته پیامبر گرامی اسلام (ص) که می‌فرمایند: «الحرب خدعه» و همچنین از آثار سن تزو که گفته است: «هنر جنگ کلاً بر اساس نیرنگ و فریب استوار است»، قابل دستیابی و استنباط است. متفکران و اندیشمندان عرصه‌های جنگ همیشه اجتناب از توانمندی‌های دشمن و یافتن نقاط ضعف او را به عنوان یکی از راز و رمزهای پیروزی توصیه نموده‌اند. این منطق اصلی کلیه تلاش‌های رقابتی در زمینه‌های مختلف و از جمله جنگ است. اصل و شاکله جنگ ناهمطراز به دنبال پاسخ به این سؤال است که در منازعات میان بازیگران چگونه راهبرد یک بازیگر ضعیف می‌تواند قدرت یک بازیگر قوی را ناکارآمد کند. بر اساس منطق روابط بین‌الملل چنانچه قدرت، متضمن پیروزی در جنگ باشد بازیگران ضعیف هیچ‌گاه نباید بر رقبای قدرتمند فائق آیند؛ به ویژه زمانی که فاصله زیادی بین قدرت دو بازیگر وجود داشته باشد. اما این در حالی است که تاریخ خلاف این را بارها نشان داده است. (رابرت اف، ۱۳۸۵)

به هر حال به کارگیری الگوی نبرد ناهمطراز، طیف وسیعی از فرصت‌های متنوع را فرا روی طراحان دفاعی در سطوح مختلف جنگ می‌گستراند؛ به همان اندازه، تهدید، دل‌نگرانی و تردید را به اردوگاه طرف مقابل تحمیل می‌نماید؛ چرا که با ابتکار عمل، اقدامات غیرمنتظره، به کارگیری ابزار نامرسوم، غافلگیری، فریب و عزم و اراده پولادین می‌توان سررشته امور را از مدار پیش‌بینی‌های مبتنی بر راهبرد دشمن خارج ساخت و انسجام راهبرد دشمن را به عنوان قابلیت حیاتی از هم گسیخت.

اندیشمندان پیشین در رابطه با جنگ نکات کلیدی و مباحث ارزشمند زیادی طرح کرده‌اند که نمونه‌های از آنها عبارتند از:

— مهمترین کار در جنگ، حمله به راهبرد دشمن است. (سن تزو، ۱۳، ص ۷۷)

- کاری کنید که دشمن نقاط قوت را ضعف ببیند و نقاط ضعفتان را قوت ببیند. (همان، ص ۶۷)
 - باور ندارم زور به تنهایی در جنگ کافی باشد، اما فریب به تنهایی کافی است. (ماکیاولی، ۱۳، ص ۳۷۵)
 - نباید جنگ را یک خونریزی و کشتار دو طرفه (میان خود و دشمن) فرض کنیم، زیرا انهدام روحیه دشمن از کشتن سربازانش مؤثرتر است.
- موارد یاد شده نشانگر ستون‌های کهنی است که الگوی ناهمطراز امروز بر آن بنا شده است؛ الگوهایی که در تمامی سطوح جنگ قابل اجراست و در همه سطوح در پی نیل به تأثیر راهبردی آن هستند. در مطالعات و تحقیقاتی که در مقوله جنگ‌های ناهمطراز توسط اندروماک صورت گرفته است، علت شکست بازیگران قوی را در جنگ‌های ناهمطراز این‌گونه استدلال می‌کند که اراده و یا منافع بازیگران نشان دهنده موفقیت و یا شکست آنان در جنگ‌های ناهمطراز است.

در مقابله با تهدیدات ناهمطراز هدف اصلی جلوگیری از تأثیرات نامتناسب این نوع تهدیدات است. تأثیر نامتناسب مضمون اصلی جنگ ناهمطراز است و باید در تمام سطوح جنگ با آن مقابله شود، هر چند جلوگیری از انتقال صعودی اثرات تاکتیکی و عملیاتی به سطوح راهبردی مهمترین بخش این رویکرد محسوب می‌شود. (کنت مکزی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴)

تهدید ناهمطراز (نامتقارن)^۱

عدم تقارن در تهدید دارای شاخص‌های مختلفی از جمله عدم توازن، عدم برابری، عدم تجانس، فقدان قابلیت جابجایی و... است. در منطق ریاضی، نبود قابلیت جابجایی نشان‌دهنده عدم تقارن است. به نظر می‌رسد شاخص عدم تقارن در منطق ریاضی برای توضیح تهدیدات ناهمطراز مطلوب‌تر باشد. تهدید نامتقارن؛ یعنی وجود رابطه‌ای بین

دو بازیگر با نبود قابلیت جابجایی برای طرف قوی، به این معنا که تهدیدات ناهمپراز به آن دسته از تهدیداتی دلالت می‌کند که بازیگران ضعیف‌تر، عاجز است؛ به بیان دیگر امکان برقراری رابطه مشابه برای بازیگر قوی، تهدید نامتقارن کشورهای قوی را از طریق بازیگران و کشورهای ضعیف فراهم می‌نماید. در واقع در صورتی که زیر ساخت‌های کشور قدرتمند متکی به سازمان‌ها و سامانه‌های ارتباطی بوده و به صورت آنلاین و ارتباط شبکه‌ای در آمده باشد و کشور یا بازیگر ضعیف‌تر نیز از قابلیت‌های جنگ اطلاعاتی برخوردار باشد اما زیرساخت‌های آن به صورت سنتی باشد؛ فرصت فوق‌العاده برای استفاده از تهدید ناهمپراز توسط بازیگر ضعیف از طریق جنگ اطلاعاتی ایجاد می‌شود.

تعریف جنگ ناهمپراز

تاکنون تعریف‌های گوناگونی از جنگ ناهمپراز ارائه شده است؛ مانند منصفانه نجنگیدن خصم، یا درگیری میان دو نیروی نامتجانس، مانند درگیری میان نیروی هوایی با زمینی. در ادامه به چند نمونه از آنان اشاره می‌گردد:

- عدم برابری و عدم همپرازی نظامی بین طرف‌های درگیر در یک صحنه جنگ؛
- یک درگیری خارج از اصل و قاعده پذیرفته شده در جنگ‌های کلاسیک؛
- برخورد منطقی با شرایط، زمانی که می‌دانیم به هیچ وجه نمی‌توان از طریق مرسوم و شیوه‌های جنگ کلاسیک دشمن را مغلوب کرد.

تعریف کاربردی نیروی زمینی از جنگ نامتقارن

«دشمنان ممکن است تلاش کنند تا با استفاده از نقاط ضعف ما و به‌کارگیری شیوه‌های کاملاً متفاوت با شیوه عملیات‌های نظامی آمریکا، قوای ما را مغلوب یا تضعیف کنند». اخیراً ستاد مشترک ارتش آمریکا جنگ نامتقارن را این‌گونه تعریف کرده است:

«به‌کارگیری رویکردهای غیرقابل پیش‌بینی یا غیرمتعارف برای خنثی نمودن یا تضعیف قوای دشمن و در عین حال بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیر او، از طریق فناوری‌های غیرقابل انتظار یا روش‌های مبتکرانه».

تعریف استیون متز^۱ از ناهمطراز، که مبنای بسیاری از مباحث اصلی در حوزه عدم تقارن است، عبارتست از:

در امور نظامی و امنیت ملی، عدم تقارن به معنی عملیات، سازماندهی و اندیشه‌ورزی متفاوت از دشمن به منظور به حداکثر رساندن برتری‌های خودی و بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن، به‌دست گرفتن ابتکار عمل یا به‌دست آوردن آزادی عمل بیشتر است. این عدم تقارن می‌تواند راهبردی سیاسی، نظامی، عملیاتی یا ترکیبی از اینها باشد. همچنین می‌تواند شیوه‌ها، فناوری‌ها، ارزش‌ها، سازمان‌ها، نسبت‌های زمانی و یا ترکیب‌هایی از اینها را شامل شود. این عدم تقارن می‌تواند کوتاه مدت یا بلند مدت باشد؛ می‌تواند جدای از این مباحث به دنبال نگرش‌های متقارن باشد. همچنین این عدم تقارن هر دو بعد فیزیکی و روانی جنگ را شامل می‌شود. (استیون متز، ۱۳۸۱، ص ۴۵)

از مجموع تعاریف ارائه شده می‌توان به عناصر اصلی زیر، که در نبرد ناهمطراز مدنظر است، اشاره کرد:

- ۱- بهره‌گیری از نقاط ضعف و آسیب‌پذیر دشمن؛
 - ۲- استفاده از فناوری‌های پیشرفته و غیر قابل انتظار؛
 - ۳- استفاده از روش‌های مبتکرانه؛
 - ۴- تضعیف آزاده دشمن برتر؛
 - ۵- تأکید بر تأثیر نامتناسب (دستیابی به اهداف راهبردی با استفاده از منابع اندک).
- (غلامعلی، ۱۳۸۲، ص ۱۹)

تفاوت جنگ همتراز و ناهمتراز

در یک جنگ همتراز، نیرویی که تسلیحات بیشتر، فناوری پیشرفته‌تر نظامی، اطلاعات سازماندهی منظم‌تر و کارآمدتری داشته باشد به پیروزی می‌رسد. در جنگ ناهمتراز هیچ چیز به‌طور کامل قابل پیش‌بینی نیست، زیرا جنگ ناهمتراز، جنگی نامنظم، با شیوه‌های نامشخص، روش‌های نامعین و محاسبات بدون در نظر گرفتن امکانات و تجهیزات است.

از زمان توسیدید تاکنون پایه و اساس تئوری روابط بین‌الملل همواره بر این فرض استوار بوده که قدرت برتر پیروز میدان است، اما تاریخ جنگ‌های گذشته این امر را تأیید نمی‌کند. تاریخ ۲۰۰ ساله جنگ‌ها حکایت از این دارد که بازیگران ضعیف در ۳۰٪ از جنگ‌ها به پیروزی رسیده‌اند. مهمتر اینکه این دفعات پیروزی در طول زمان روند رو به رشدی را طی نموده است. (رابرت اف، ۱۳۸۵، صص ۹۰-۹۲)

ویژگی‌های جنگ‌های ناهمتراز

۱- **تحمیل صحنه جنگ به دشمن، توسط نیروهای ضعیف (مدافع):** صحنه نبرد به دشمن قوی و مهاجم تحمیل می‌شود؛ این امر سبب می‌گردد تا قدرت مانور دشمن کاهش یابد، به خاطر شرایط تحمیل شده نتواند تجهیزات و سلاح‌هایش را به‌کار برد. همچنین به مناطقی وارد می‌شود که آموزش لازم برای جنگیدن در این وضعیت را تجربه نکرده است.

۲- **غیرمتمرکز بودن واحدها:** یگان‌ها قبل از حمله متمرکز اما با شروع و آغاز عملیات باید به هسته‌های کاملاً کوچک، خودکفا، غیرمتمرکز و شبکه‌ای اما هم‌افزا تبدیل شوند.

۳- **تحرك پذیری:** با تحرك پذیری زیاد امکان موفقیت دشمن در دستیابی به موقعیت آنان را دشوار و امکان واکنش و عکس‌العمل دشمن را تا حدود زیادی مشکل می‌کند؛ از این رو ابتکار عمل خود را بر دشمن تحمیل می‌نماید.

۴- **پیش‌بینی ناپدیدبیری:** این شرایط حاکمیت وضعیت عدم قطعیت را برای دشمن ایجاد نموده و ابهام آلودگی در مؤلفه‌های مختلف جنگ را برای دشمن به همراه دارد و تا حدود زیادی غافلگیری دشمن را افزایش می‌دهد. مجاورت و تداخل جنگ با روال عادی زندگی جاری مردم نیز دشواری‌های مهاجم را در مقابله مضاعف می‌نماید.

۵- **عدم وجود یگان‌های بزرگ:** تشکل‌های بزرگ خطی؛ مانند لشکرهای سنگین در جنگ ناهم‌تراز کارآیی ندارند. لازم است که یگان‌های رزمنده از یگان‌های پراکنده شبکه‌ای و کارآمد تشکیل شوند.

۶- **کاهش برقراری ارتباط:** علاوه بر به حداقل رساندن ارتباطات، لازم است سیستم ارتباطی از نوع سیستم ارتباطی غیرنظامی باشد. حتی‌الامکان باید از سیستم‌های عمومی و عام استفاده شود. این اقدام از شنود دشمن جلوگیری می‌کند، امکان لو رفتن موقعیت را از طریق رهگیری سیستم‌های ارتباطی غیرممکن و یا دشوار می‌کند و امکان به‌کارگیری معرف‌های روزمره و پیچیده را میسر می‌سازد.

۷- **تبلیغات روانی و جنگ رسانه‌ای:** برخورداری از امکانات رسانه‌ای امکان تأثیرگذاری بر دشمن را فراهم می‌کند، به‌طور مثال بخش زیادی از موفقیت‌های بن‌لادن را مرهون حمایت شبکه‌های رسانه‌ای الجزیره و العربیه می‌دانند که اقدامات القاعده را پوشش می‌دهد. اقدامات خلاف اخلاق دشمنان را نیز برای افکار عمومی بازگو کرده و بدون حمایت این شبکه‌های ارتباطی، القاعده موفق به کسب موفقیت‌های تحصیل شده نمی‌گردید.

۸- **استفاده ترکیبی از امکانات موجود:** برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده لازم است از ترکیب تجهیزات و سلاح‌های ساده، ترکیبات پیچیده‌ای ایجاد کنیم که از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار باشد.

۹- **اصل هم‌زمان توان:** برای تأثیر مضاعف باید هر آنچه که اجزای قدرت را تشکیل می‌دهد، یکجا به کار گرفت؛ چون با تحقق این امر هم‌افزایی ایجاد می‌شود. در

هم‌افزایی ۱+۱ مساوی ۲ نیست، بلکه دارای نتیجه و تأثیر بسیار بیشتری است. دارای تأثیر روانی و فیزیکی فراوانی است؛ به طور مثال امریکایی‌ها معتقدند چون در ویتنام اجزای قدرت را به صورت تدریجی به کار بردند، مؤثر واقع نشد و نتوانستند طرف مقابل را بی‌تعادل نمایند.

۱۰- پوشش و پنهان‌کاری عملیات: این ویژگی امکان کشف، شناسایی و مقابله دشمن با عملیات و اقدامات را غیرممکن یا بسیار دشوار نموده و همواره ابتکار عمل را در دست داشته و مکان و زمان درگیری را بر دشمن تحمیل خواهد نمود. در واقع دشمن را در موضع انفعال قرار می‌دهد. نمونه‌های متعدد در جنگ ۳۳ روزه وجود داشت که حکایت از کارآمدی این ویژگی داشت.

۱۱- مؤثر و محور بودن: مؤثر واقع شدن راهبردها، تاکتیک‌ها و اقدامات در نبردهای ناهمطراز سهم به‌سزایی در ارتقای روحیه جنگندگی در نیروهای خودی و به چالش کشیدن روحیه نیروهای دشمن دارد، لذا باید تلاش شود حتی‌الامکان اقدامات و تصمیمات اتخاذ شده در این نوع از جنگ به نتیجه برسد، در غیر این صورت ناکارآمدی اقدامات انجام شده روی نیروهای خودی اثرات سوء غیرقابل جبرانی را به وجود خواهد آورد.

۱۲- پیچیدگی: هرچه میزان پیچیدگی افزایش داده شود امکان پیش‌بینی اقدامات احتمالی ما توسط دشمن کاهش خواهد یافت، در نتیجه مؤثر واقع شدن راهکارهای خودی افزایش خواهد یافت.

اشکال ناهمطرازی

اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه نمونه‌های مختلفی از اشکال جنگ ناهمطراز را ذکر کرده‌اند، که عبارتست از:

- ناهمطرازی منافع: برخی این نوع همطرازی را چه به صورت واقعی باشد و چه به صورت تصویری، مهمترین و اساسی‌ترین نوع ناهمطرازی تلقی می‌کنند. به طور

کلی این نوع جنگ زمانی رخ می‌دهد که یکی از طرف‌های جنگ که ضعیف‌تر است، منافع حیاتی‌اش را در معرض خطر می‌بیند؛ در حالی که طرف مقابل از منافع حیاتی کمتر خود حمایت می‌کند. (جان راسل، ۱۳۸۴، ص ۲۵) در این شرایط انگیزه دفاع و مقابله و ریسک‌پذیری بازیگر ضعیف‌تر بسیار بالاتر از بازیگر مهاجم و قوی‌تر است.

- **ناهمطرازی خواست یا اراده:** این نوع از ناهمطرازی زمانی به وجود می‌آید که یکی از دو طرف معمولاً با خطر بیشتر، ریسک بیشتری را می‌پذیرد و متحمل هزینه‌های زیاد می‌شود و دست به اقداماتی می‌زند تا طرفی که کمتر در معرض خطر قرار دارد به دلایل مختلف حاضر به پرداخت چنین هزینه‌هایی نباشد. در واقع این نوع از ناهمطرازی هنگامی اهمیت خود را نشان می‌دهد که حریفی بقاء یا منافع حیاتی خود را در معرض خطر ببیند و حریف دیگر به دنبال حفظ یا استمرار منفعی باشد که از منافع حیاتی کم اهمیت‌تر است.

- **ناهمطرازی ارزش‌ها:** این نوع از ناهمطرازی زمانی روی می‌دهد که میان متخاصمان ارزش‌ها، هنجارها و باورهای مختلفی هم به لحاظ اجتماعی و هم به لحاظ فردی وجود داشته باشد. (همان، ص ۲۵)

- **ناهمطرازی راهبردها و تاکتیک‌ها:** ناهمطرازی که در آن به شیوه‌ها توجه می‌شود. عمدتاً در آن شکل از نامتقارنی به بررسی مفاهیم عملیاتی یا دکترین‌های تاکتیکی متفاوت از دشمن می‌پردازد؛ مانند جنگ پارتیزانی این نوع از ناهمطرازی بسیار عمومی و چشمگیر است. (همان، ص ۲۶) از آنجایی که تاریخ جنگ‌ها نشان داده است که دشمنان از رویارویی‌های قدرت در برابر قدرت، موفقیت چندانی به دست نمی‌آورند، بر همین اساس در پی به کارگیری راهبردها و تاکتیک‌های غیرمشابهی می‌روند تا از نقاط قوت رقیب اجتناب نموده و با بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن آن را به چالش کشند.

- **ناهمطرازی فناوری:** این نوع نابرابری امر جدیدی نیست. منازعات همواره با نابرابری در فناوری‌ها متمایز می‌شوند. در تاریخ جنگ‌ها، به ویژه در جنگ‌هایی که یک دولت صنعتی پیشرفته علیه یک دولت عقب مانده بر پا می‌کند عدم تقارن در فناوری کاملاً محسوس است. (همان، ص ۲۶)

- **ناهمطرازی سازمانی:** این ناهمطرازی از اهمیت شایان توجهی برخوردار است؛ در برخی موارد برتری‌های فراوانی را برای کشوری که فاقد برتری فناوری یا دیگر امکانات بوده است به همراه آورده است. (همان، ص ۲۶)

- **ناهمطرازی پایداری یا بعد زمانی:** این ناهمطرازی ارتباط زیادی با ناهمطرازی اراده دارد اما اغلب در درگیری‌های بین فرهنگی نمود پیدا می‌کند. این نوع راهبرد زمانی کاربرد پیدا می‌کند که یک طرف خواستار طولانی شدن دوره جنگ و طرف دیگر خواهان کاهش این دوره است. (همان، ص ۲۶)

راهکارهای مناسب جنگ ناهمتراز در ج.ا.ا.

- مردمی کردن دفاع و مقاومت در مقابل دشمن: آمریکا برای اولین بار در جنگ ویتنام تجربه کرد که تشکیلات نظامی در برابر راهبردهای نامتقارن و نامتعارف چقدر بی‌دفاع است، زیرا آنها با وجود برتری از نظر تاکتیکی و تسلیحاتی نتوانستند دشمنانی را که با شیوه‌های چریکی می‌جنگیدند شکست دهند. دو دهه بعد نیز در افغانستان مشکلی مشابه نصیب شوروی شد. (هرفرید مونکлер، ۱۳۸۴، ص ۴۳)

- ایجاد رابطه بین زندگی روزمره مردم و جنگ و دفاع ناهمطراز به گونه‌ای که هر دو به صورت توأم با هم انجام شود: در واقع در نبرد ناهمطراز تفکیک میان منطقه پشت جبهه و خط مقدم، جنگجو و غیر جنگجو، سلاح جنگی و اسباب و وسایل زندگی عادی مردم از بین می‌رود و تمام مردم در جنگ درگیر می‌شوند. (همان، ص ۱۴۱)

- دشمن در مقابل دفاع عمیق، چندلایه و مشارکت مردمی در دراز مدت به زانو در خواهد آمد: جنگ ویتنام، مقاومت حزب الله در لبنان و شیعیان عراق در نجف اثبات نموده است که ارتش امریکا توان به پایان رسانیدن موفقیت آمیز جنگ های طولانی و فرسایشی را نداشته و در آن مورد به شدت آسیب پذیر هستند.
- تلاش در جهت وارد کردن تلفات انسانی به دشمن (امریکا): آنچه که بر اساس تجارب گذشته ثابت شده این است که امریکایی ها توان تلفات انسانی را ندارند و افکار عمومی در داخل امریکا این امر را نمی پذیرد و به این خاطر دولت حاکم را به چالش می کشاند. دیدوید ریف اظهارات تمسخرآمیز یک صرب بوسنیایی را چنین بازگو کرده است: «وقتی که فقط هجده نفر از سربازان شما در افریقا کشته شدند افکار عمومی امریکا به شدت ناراحت و عصبانی شد، پس منتظر دریافت تابوت های سربازانتان از بوسنی باشید. شما حتی نمی توانید تصور کنید که فرزندانتان کشته شوند». (همان، ص ۴۴)
- تحرک پذیری و سرعت عمل (واکنش سریع): در این حالت ضمن اجرای موفقیت آمیز عملیات، امکان واکنش به موقع از دشمن سلب خواهد شد.
- سیال سازی محیط درگیری: لازمه رزم در جنگ ناهمطراز، قدرت جابجایی و تحرک سریع واحدها، سرعت عمل در پرکردن فضاهای خالی و مقاومت در مقابل دشمن است. بدیهی است که مقاومت های پراکنده توان برابری با حملات متمرکز در زمان و مکان را ندارند، اما تأثیر مقاومت پراکنده همچون فرایند فیزیکی تبخیر، به سطح جسم بستگی دارد. هر چه سطح تماس با دشمن گسترده تر باشد، تأثیر مسلح سازی مردم بیشتر نمایان خواهد شد و همانند شعله ای سوزان بنیان ارتش دشمن را بر خواهد کند. (همان، ص ۱۴۲)
- با توجه به اینکه اساس جنگ ناهمطراز مبتنی بر واحدهای کوچک چند منظوره است، با انجام تحرکات سریع واحدهای رزمی، می توان ضمن کاهش آسیب پذیری خودی، دشمن را وادار به تغییر در تاکتیک نمود.

- تربیت نیروهای شهادت طلب از طریق کارها و فعالیت‌های فرهنگی که از مدت‌ها قبل شروع شده باشد: زمان درگیری فرصتی برای این کارها وجود ندارد، همه این اقدامات باید از قبل انجام شده باشد.
- خوداتکایی و استقلال رزمی: یگان‌های درگیر در عملیات ناهمتراز باید بتوانند از نظر عملیاتی و لجستیکی، بدون نیاز به پشتیبانی یگان‌های دیگر اقدام به عملیات نمایند و منتظر کسب تکلیف و اخذ دستور از رده بالاتر نباشند و برابر آنچه از قبل مشخص شده اقدام نمایند.
- انعطاف‌پذیری ساختاری: در وضعیت ناهمطرازی ساختارها پویا بوده و به صورت اقتضایی و بسیار کوتاه مدت از بین می‌روند. اساساً برخی از ساختارها در این فضا، اجباری هستند و صرفاً برای زمانی بسیار کوتاه ایجاد شده و پس از رفع ضرورت ساختار ایجاد شده از بین می‌رود.
- حرفه‌ای سازی نیروها و قابلیت‌پذیری این نیروها برای عملیات چریکی و شهری.
- اشراف اطلاعاتی پنهان و آشکار بر اهداف راهبردی دشمن و یافتن نقاط ضعف او.
- قابلیت حفظ توان رزمی و دفاعی خود به منظور طولانی و فرسایشی کردن جنگ.
- پرهیز از تمرکزگرایی و واکنش سریع و مناسب، متناسب با صحنه عملیات و تشخیص فرمانده یگان درگیر.
- پایداری و کارآمدسازی سیستم‌های ارتباطی غیرشبکه‌ای و ایجاد ارتباط مستقل محلی.
- توجه به اصل غافلگیری و فریب و به کارگیری آن.
- جلوگیری از برتری مطلق دشمن در جنگ هوایی و موشکی و به حداقل رساندن آسیب‌پذیری‌ها، با رعایت حفاظت همه جانبه.
- جلوگیری از تأثیرات نامتناسب اقدامات دشمن. (کنت مکنزی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵)

- تلاش در جهت فرسایشی کردن جنگ: با طولانی و فرسایشی شدن جنگ حمایت کنگره و افکار عمومی از دولت برداشته می‌شود و باعث به چالش کشیدن دولت می‌گردد.
- ایجاد اختلال در برنامه‌ریزی یکپارچه دشمن: با توجه به نگرش سیستمی دشمن به جنگ، امکان اختلال به اجرای عملیات و اقدامات مبتکرانه و نامتقارن وجود دارد.
- مدیریت سطح آستانه تحمل مردم و رزمندگان: آستانه تحمل مردم و رزمندگان از مؤلفه‌های اساسی در مدیریت جنگ محسوب می‌گردد. این مقوله به طور کلی در جنگ‌های نوین به ویژه در جنگ ناهمپراز دارای نقش و کارکرد اساسی و بنیادی است.

حفاظت از اطلاعات در جنگ ناهمپراز

جنگ ناهمپراز جنگی است که در بستر حفاظت جریان دارد و همه مراحل آن متأثر از اصول و ملاحظات حفاظتی است. موفقیت در جنگ ناهمپراز منوط به اجرای دقیق اصول حفاظتی و امنیتی است. حفاظت از اطلاعات در تمام ابعاد و رعایت دقیق اصول پدافند غیرعامل، استتار، اختفاء، پوشش، حفاظت اسناد، مدارک، مخابرات و فریب اطلاعاتی و عملیاتی دشمن رمز موفقیت نیروهای خودی است.

نقش و جایگاه اطلاعات در جنگ ناهمپراز

در تأمین امنیت شناخت تهدید همواره رکن اصلی بوده و درصد زیادی از اقدامات تأمینی و حفاظتی برحسب برآورد تهدیدات انجام می‌گیرد. بدیهی است در برآورد تهدید نباید دچار توهم یا بزرگ‌نمایی شد، یا اینکه نمای ضعیفی از تهدید را تبیین نمود.

تهدیدشناسی در نبرد ناهمپراز مبتنی بر شناخت دقیق توان دشمن است. تهدیدشناسی را باید قبل از شروع جنگ انجام داد و به‌طور مستمر به تکمیل اطلاعات

مورد نیاز پرداخت به گونه‌ای که شناخت و برآورد تهدیدات همواره به روز باشد. کسب اطلاعات در این زمینه از وظایف ذاتی سامانه فرماندهی است؛ باید از همه امکانات موجود بهره‌برداری نماید که این مهم (برآورد واقعی از دشمن) به صورت اطمینان بخش تحقق یابد. بدیهی است که سازمان حفاظت اطلاعات با قابلیت‌های که در عرصه جمع‌آوری اطلاعات (اعم از پنهان و آشکار) دارد، در رفع ابهامات اطلاعاتی که نسبت به راهبرد و نیت دشمن برای سامانه فرماندهی وجود دارد نقش با ارزشی ایفا می‌کند.

علاوه بر تهدیدات حوزه نظامی در جنگ ناهمتر از تهدیدات امنیتی و حفاظتی متعددی در این حوزه وجود دارد که در مواردی مقابله و خشی نمودن آنان به طور تلفیقی مستلزم همکاری و هماهنگی سامانه فرماندهی و حفاظت اطلاعات است. به‌عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) جمع‌آوری اطلاعات؛

ب) انهدام تأسیسات؛

ج) نشت اطلاعات؛

د) اختلال مخابراتی؛

هـ) ترور و آدم ربایی؛

و) خرابکاری.

موضوعات اساسی در جنگ ناهمتر از

اطلاعات: در عصر کنونی تغییرات کیفی که در محیط اطلاعاتی به وجود آمده است، برتری اطلاعاتی را از مرز جمع‌آوری اطلاعات فراتر برده است. عبارت «برتری اطلاعاتی» بر حالت یا وضعیت عدم تعادل به نفع یکی از طرفین دلالت می‌کند.

برتری اطلاعاتی زمانی که به شکل کارآمدی به دانش و تصمیمات برتر تبدیل گردد، برای نیروی عمل کننده مزیت رقابتی فراهم خواهند کرد. اطلاعات برتر مبدل شده به دانش برتر، باید در جهت تصمیم‌گیری بهتر و سریع‌تر به کار گرفته شود. پیش نیاز هر اقدام تاکتیکی و عملیاتی توسط دشمن، کار اطلاعاتی است.

دشمن تا به نتیجه و برآورد اطلاعاتی قطعی نرسد عمل نخواهد کرد، لذا باید تلاش شود تا دشمن در مرحله جنگ اطلاعاتی متوقف شود؛ هیچ وقت به برآورد قطعی و تصمیم در شرایط اطمینان نرسد و نیازهای اطلاعاتی‌اش تأمین نشود. باید به گونه‌ای عمل کرد که هیچ وقت برآورد اطلاعاتی دشمن از قابلیت‌ها و توانایی‌های نیروهای خودی کامل نشود؛ انتهای قدرت خودی را نتواند تخمین بزند؛ نیات، راهبردها و طرح‌های ما را شناسایی نکند.^۱

فریب اطلاعاتی: فریب، اقداماتی را شامل می‌شود که باعث گمراهی تصمیم‌گیران دشمن نسبت به توانایی‌ها، مقاصد و عملیات نیروهای خودی گردد. به این وسیله دشمن اقداماتی را انجام دهد که در موفقیت مأموریت نیروهای خودی نقش دارد. فریب به حصول یک هدف احساسی - ادراکی کمک می‌کند و خود یک هدف اصلی به شمار نمی‌رود.

انحراف در ادراک می‌تواند به دو صورت به وجود آید: ۱- فریب شبه‌آمیز، که نسبت به یک واقعیت ابهام ایجاد می‌کند؛ ۲- فریب گمراه کننده که نسبت به یک امر غیر واقعی اطمینان ایجاد می‌کند.^۲

در مقوله اطلاعات، هرکاری که موجب فریب و ایجاد درک مجازی دشمن نسبت به واقعیت‌های خودی شود، در واقع در فریب اطلاعاتی، جنگ، جنگ القای واقعیت، با عنوان «مجاز» و القای مجاز با عنوان «واقعیت» است.

۱- چشم انداز مشترک ارتش آمریکا در افق ۲۰۲۰، ص ۹-۱۰.

۲- مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

در واقع در این فضا باید بتوانیم ادراک دشمن و طرف مقابل را مدیریت نماییم، تا او بر اساس داده‌های عمدی و جهت‌دار ما محیط ذهنی‌اش را آرایش دهد. سیستم تصمیم‌گیری دشمن تابع سیگنال‌هایی باشد که ما منتشر می‌کنیم، نه آنچه که او به دست می‌آورد. بنابراین در یکجا حفاظت از اطلاعات، اقتضایش جلوگیری از انتشار امواج و در جایی دیگر اقتضای آن انتشار اطلاعات و امواج جهت‌دار است؛ زیرا فضایی مه‌آلود، ابهام‌آمیز و غیر واقعی و مجازی ایجاد کند و از آن طریق ادراکات دشمن را مدیریت کند، تا دشمن در هدف‌یابی و هدف‌گزینی همواره در تردید و ابهام به سر برد.

اصل اشراف اطلاعاتی: ماشین جنگی دشمن که به مثابه یک سیستم است، نمی‌تواند بدون اطلاعات کافی عمل کند. یک اشتباه باعث اشتباه کل سیستم می‌شود؛ یعنی هر هدف باید در ابتدا شناسایی، گزینش، ارزشیابی و سپس مورد اصابت قرار گیرد و این اقدام فقط با کار اطلاعاتی امکان‌پذیر است. به این لحاظ ۸۰٪ قدرت دشمن متکی به کار اطلاعاتی است، به خصوص هدف‌گزینی و هدف‌یابی.

قدرت رزمی که دشمن در اختیار دارد، بسیار گران‌قیمت، پیچیده و تا اندازه‌ای محدود است؛ بنابراین تجهیزات و قدرت نظامی دشمن باید به اهدافی اصابت نمایند که ارزش اقتصادی قابل ملاحظه‌ای داشته باشند یا اینکه ارزش یا کیفیت راهبردی بالایی ایجاد نماید.

نبرد دقیق: نبرد دقیق، نبرد تأثیر محور است که به تمامی انواع عملیات‌ها مربوط می‌شود. نبرد دقیق به توانایی نیروهای عمل‌کننده در موقعیت‌یابی، مراقبت، تشخیص و ردیابی اهداف، انتخاب، سازماندهی و به کارگیری سیستم‌های مناسب، ایجاد تأثیرات مورد انتظار اطلاق می‌شود. عملیات بر مبنای تأثیر یعنی اینکه هیچ گلوله‌ای بدون اثر روی زمین فرود نیاید.

ارتباطات: یکی از آسیب‌پذیری‌های ارتش‌های موج‌سومی در وابستگی بیش از حد به فناوری است. از آنجا که از ناحیه سیستم‌های ارتباطی و مخابراتی وابستگی شدیدی به کشورهای خارجی وجود دارد، دشمن قادر است اختلالات اساسی را در ارتباطات نظامی واحدهای خودی ایجاد نماید. بنابراین وظایف اصلی، در نبرد ناهم‌تراز، بیشتر قبل از شروع جنگ تعریف می‌شود.

اگر اقدامات پیشگیری در حوزه مخابرات و ارتباطات قبل از شروع نبرد ناهم‌تراز صورت نگیرد، ضریب آسیب‌پذیری ارتباطات واحدهای رزمی خودی، تا حد زیادی افزایش می‌یابد. بدیهی است سیستم‌های جمع‌آوری اطلاعات دشمن در زمان صلح و قبل از وقوع نبرد همواره درصدد تکمیل اطلاعات خود از سیستم‌های ارتباطی می‌باشند. دوران قبل از نبرد واحدهای جنگ الکترونیک دشمن، کلیه ظرفیت‌های مخابراتی را شناسایی می‌کنند؛ بنابراین باید از طرح‌ها و برنامه‌های مخابرات برای جنگ‌های آینده حفاظت کامل صورت گیرد.

اقدامات اساسی در حفاظت ارتباطات و مخابرات

- ایجاد زیر ساخت‌های ارتباطی مقاوم و امن؛
- ایجاد ارتباطات گسترده اختصاصی با استفاده از سیستم با سیم، مبتنی بر فیبر نوری؛
- ایجاد و توسعه شبکه ارتباطی در زمان صلح باید با حفاظت کامل صورت گیرد؛
- استفاده از سیستم‌های مخابراتی مشابه دشمن، با هدف فریب و عملیات ایزدایی؛
- استفاده از سیستم‌های طیف گسترده؛
- پیش‌بینی مراکز یدکی مخابرات با قابلیت تحرک، بهره‌گیری از قابلیت‌های ریموت (کنترل از راه دور)؛
- برای مقابله با تهدید جهت‌یابی و نقطه‌یابی (DF) استفاده از پوشش‌های مردمی برای استقرار مراکز مخابراتی در جنگ ناهم‌تراز اهمیت دو چندانی دارد؛

- پیش‌بینی و تولید آنتن‌هایی که بتواند از پوشش‌های غیرنظامی استفاده نمایند در اجرایی کردن این اقدام اهمیت خواهد یافت.

نیروی انسانی: شرایط خاص جنگ ناهمتراز به خصوص پراکندگی و عدم تمرکز با همه مزایایی که در شرایط ناهمتراز دارد، زمینه را برای برخی اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی دشمن (مانند ارتباطات پنهانی، عملیاتی روانی و...) فراهم می‌کند، از این رهگذر آسیب‌پذیری کارکنان را نسبت به جنگ‌های کلاسیک افزایش می‌دهد. لازم است پیش از ورود به جنگ تدابیر لازم در جهت کاهش و به حداقل رساندن این قبیل آسیب‌ها اندیشیده شود.

تجهیزات: در رابطه با امکان و محل‌های نگهداری، زمان و مکان به کارگیری و استفاده از سلاح و تجهیزات تأثیرگذار و مهم، لازم است که حداکثر ابهام اطلاعاتی را برای دشمن ایجاد کرد، تا از این رهگذر امکان تأثیر نامتناسب را از به کارگیری این سلاح‌های مؤثر و تأثیرگذار بومی، برای دشمن در هاله‌ای از ابهام بماند. به ویژه آن بخش از ابتکارات بومی که در عرصه ناهمتراز می‌تواند منشاء اثرات مهم برای خودی و غافلگیری برای متجاوزان محسوب گردد.

اماکن و تأسیسات: حسب آنچه که در جنگ‌های اخیر امریکا به تجربه حاصل شده است در نبرد ناهمتراز اماکن و تأسیسات نظامی و همچنین اماکن حیاتی و حساس غیرنظامی به عنوان اهداف اصلی تعرضات موشکی و هوایی دشمن بوده و امنیت این اماکن، به خصوص مراکز نظامی، در حد قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد.

راهبرد مناسب در این خصوص بهره‌گیری از تأسیسات زیرزمینی و تونل‌ها به طور روزافزون در تأسیسات دفاعی بسیاری از کشورها مورد بهره‌برداری قرار گرفته و در نبرد ناهمتراز بهره‌گیری وسیع واحد محور، به ویژه برای گردان‌های موشکی، گردان‌های پهپاد و حتی عملیات‌های ویژه اطلاعاتی، به عنوان امتیازی مثبت محسوب می‌گردد. نکته اساسی و بسیار مهم در این مورد رعایت حفاظت و افشاء نشدن این‌گونه

اماکن است در غیر این صورت، وجود این اماکن مزیتی محسوب نمی‌گردد. به طور مثال، در جنگ اول خلیج فارس، عراق سایت موشکی زمین به زمین خود را در زیرزمین قرار داده و سطح متحرک زمین، فقط برای شلیک باز و سپس بسته می‌شد، این سایت با بهره‌گیری از سنسورهای مادون قرمز (حرارتی) به وسیله ماهواره لندست شناسایی و از طریق هواکش‌های آن و با موشک‌های هدایت شونده منهدم گردید.

نتیجه‌گیری

آنچه از تجزیه و تحلیل عملکرد آمریکا در خلال عملیات‌هایی که در دوران جنگ سرد و بعد از آن علیه کشورها در نقاط مختلف جهان انجام داده به دست می‌آید، این است که با استفاده از برتری خود در ابعاد مختلف تلاش می‌کند تا دشمن را با کمترین هزینه و در کوتاه‌ترین زمان از سر راه خود بردارد.

از گذشته دور تاکنون زمانی که یک ارتش نمی‌توانست از طریق مرسوم و شیوه‌های کلاسیک دشمن خود را مغلوب سازد یا از غلبه او بر خود جلوگیری کند، جنگ ناهمپراز بهترین شیوه‌ای بود که برای خود اتخاذ می‌کرد. در حال حاضر نیز جنگ ناهمپراز جزئی از یک جنگ تمام عیار قرار گرفته و به عنوان یکی از رویکردهای مبارزاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پس آنچه که فکر می‌کنیم درگیری ما را با قدرت‌های بزرگ شکل خواهد داد، چارچوب، مشخصات و هندسه متفاوت از جنگ کلاسیک خواهد بود و به همین دلیل با توجه به پیشرفت‌های شگرف فناوری نظامی و تنوع ابداعات در شیوه‌های عملیاتی، محیط و فضای جنگ ما با تهدید شماره یک ج.ا.ا، عمدتاً ناهمپراز خواهد بود و باید الگوهای رفتار خود را در جنگ آتی بر اساس تغییر در عناصری همچون راهبرد، تاکتیک، فناوری و احتمالاً جغرافیا قرار دهیم. حاصل این نگاه، ما را به سمت الگویی هدایت می‌کند که آن را «جنگ ناهمپراز» می‌نامند.

باید تلاش کنیم تا عناصر مربوط به نبرد ناهمتراز (زمان، مکان، شیوه، راهبرد، ابزارها و...) را برای دشمن در هاله‌ای از ابهام نگه داریم و از مزیت‌های نسبی که این شرایط ایجاد می‌کند بهره‌برادری کنیم، در غیر این صورت اگر ابهامات برطرف شود و یا برای مدت طولانی اصرار بر به کارگیری شیوه‌ها، راهبردها و تاکتیک‌های واحد و یکنواخت داشته باشیم عملاً موضوع مورد بحث در این شرایط از ناهمترایی خارج شده و به یک موضوع عادی تبدیل خواهد شد. زیرا دشمن با قابلیت انعطافی که دارد خود را با شرایط ایجاد شده تطبیق خواهد داد که در این حالت موضوع از حالت ناهمترایی خارج خواهد شد. برای رفع این آسیب لازم است که همواره به دنبال ابداعات و به دست گرفتن ابتکار عمل باشیم تا بتوانیم سیاست ابهام آلودگی محیط درگیری را برای مدت طولانی بر دشمن تحمیل نموده راهبردهای از پیش تعیین شده دشمن را هدف قرار داده و ناکارآمد نماییم.

منابع و مأخذ

- ۱- استیون، متز، عدم تقارن و راهبرد ایالات متحده (تعریف، زمینه و مفاهیم راهبردی)، ترجمه عبدالحسین حجت‌زاده، فصلنامه نگاه، بهمن ۱۳۸۱.
- ۲- افتخاری، اصغر، کالبد شکافی تهدید، فصلنامه دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۸۴.
- ۳- راسل جان، نگاه، جنگ نامتقارن، ترجمه عسگر قهرمان‌پور، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سال پنجم، مهر و آبان ۱۳۸۴.
- ۴- چشم انداز مشترک ارتش امریکا در افق ۲۰۲۰، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، زمستان، ۱۳۸۵.
- ۵- رابرت اف، باومن، نظریه جنگ نامتقارن، چگونگی غلبه بر قوی‌تر، فصلنامه دفاعی و امنیتی، سال سیزدهم، شماره ۴۴، دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی مرکز مطالعات دفاعی و امنیت، پاییز ۱۳۸۵.
- ۶- عبدالله خانی، محمد، تهدیدات امنیت ملی، موسسه ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۶.
- ۷- غلامعلی، رشید، درآمدی بر شناخت جنگ نامتقارن، مقدمه کتاب جنگ نامتقارن، ۱۳۸۲.
- ۸- مکزی، کنت، جنگ نامتقارن، ترجمه عبدالحمید حیدری و محمد تمنایی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دافوس دوره عالی جنگ، ۱۳۸۲.
- ۹- مونکلر، هرفرید، جنگ‌های نوین، ترجمه حسن درگاهی، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران دوره عالی جنگ، ۱۳۸۴.